

سال دوم

جلسه ۹۸

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۱ / ۲ / ۱۷ یکشنبه

# بحث سوم:



نظریه حضرت امام

(۱)

✓ نکته : اسماء اشاره و ضمایر غایب وضع شده اند برای ایجاد اشاره

✓ فرق اسم اشاره و ضمیر غایب :

- اسماء اشاره : وضع شده اند برای اشاره به حاضر (و ما هو بمنزلة الحاضر)

- ضمایر غایب : وضع شده اند برای اشاره به غایب (و ما هو بمنزلة الغایب)

✓ شباهت «هذا» با «انگشت آدم لال» :

همانطور که انگشت، آلت ایجاد اشاره به مشارّ الیه است، لفظ «هذا» هم «آلت ایجاد اشاره»

است.

(۲)

نظریه حضرت امام

✓ موضوع له اسماء اشاره :

معنای اسماء اشاره، «نفس اشاره» است و «مشارّ الیه» داخل در موضوع له نیست

✓ نکته :

ظاهراً مراد امام آن است که هدف از وضع، ایجاد اشاره است و الا نفس اشاره یک معنی

اسمی است و هیچ کس از لفظ «هذا» مفهوم «اشاره» را نمی فهمد.

✓ و اینکه مشارّ الیه به ذهن سامع خطور می کند مثل آن خطوری است که «اشاره احرس»

باعث آن می شود.

نظریه حضرت امام

یک شاهد بر نظریه حضرت امام (معناها نفس الاشاره)

✓ موضوع له اسماء اشاره :

الفاظ وضع شده اند برای نفس اشاره (غایت، اشاره کردن است)

**دلیل:** «هذا» موضوع و یا محمول واقع نمی شود (چون معنی ندارد) و از این حیث مثل معانی حرفیه است. بلکه آنچه واقعاً موضوع است، «زید» است.

✓ اسم اشاره مصداقی از معنای حرفی:

پس به نوعی «اسماء اشاره» معنای حرفی هستند چراکه همانطور که حروف دارای معنای مستقل (نه از حیث وجود و نه از حیث مفهوم) نیستند، اسماء اشاره هم دارای معنای مستقل نیستند؛ چراکه «اشاره» قوامش به «مشیر» [آلت اشاره] و «مشار الیه» است.

✓ فرق بین اسماء اشاره و ما بقی حروف :

حروف دارای معنای غیر مستقل هستند ولی اسماء اشاره اصلاً معنا ندارند بلکه صرفاً ایجاد می کنند.

✓ **فرق اسماء اشاره با هم :**

تفاوت آنها هم در آن است که «هذا» وسیله اشاره به مفرد مذکر است و «هذه» وسیله اشاره به مفرد مؤنث؛ کما اینکه هذا وقتی استعمال می شود که بخواهیم به نزدیک اشاره کنیم و «ذلک» برای اشاره به دور؛ و «ذاک» برای اشاره به متوسط

✓ **اسم اشاره = آلت اشاره**

اسماء اشاره دارای معنی نیستند بلکه وضع شده اند تا به عنوان «آلت اشاره» استفاده شوند

✓ **موضوع له تسامحی اسم اشاره :**

اما با تسامح می توان گفت موضوع له این اسماء، «اشاره کردن» (به عنوان فعل خارجی) است

(۴)

نظریه حضرت امام

**قلنا :**

در آنجا علت آنکه نمی توانیم «مفهوم غیر مستقل ابتداء»  
را به جای «من» به کار ببریم، آن است که یکی مستقل و  
دیگری غیر مستقل است. و در عین حال هر دو

«حکایی» هستند

در حالیکه در ما نحن فیه اگر گفتیم اسماء اشاره،

ایجاد می هستند

**ان قلت :**

در حروف هم با اینکه معنا دارند  
نمی توانیم به جای «صرت من البصر»  
بگوییم «صرت مفهوم غیر مستقل

ابتداء بصره»

# بنای مرحوم اصفهانی



✓ وجود بالذات و بالعرض «لفظ» :

وجود لفظ، بالذات «کیف مسموع» است و بالعرض «معنای مستعمل فیه» است.

حال مراد چیست ؟

احتمال اول

**اگر مراد آن است که :**

لفظ، وجود بالعرض و لفظی مفرد مذکر است

**پس :** استعمال این لفظ، باعث پیدایش «وجود جعلی مفرد مذکر» می شود.

**اما :** در این صورت «اشاره» کجاست؟ و چگونه این لفظ بر اشاره دلالت دارد؟

احتمال دوم

**اگر مراد آن است که :**

لفظ، وجود لفظی است برای «زیدی که با این لفظ به آن اشاره شده»

**در این صورت می گوئیم :**

قبل از استعمال لفظ «هذا» باید این معنی تصور شود

**در حالیکه** «به آن اشاره شده» با استعمال حاصل می شود

**پس :** این حرف مستلزم «تقدم الشئ علی نفسه» است.

## احتمال سوم

### اگر مراد آن است که :

و اگر مراد آن است که لفظ، وجود لفظی است برای آلت اشاره

### در این صورت می گوئیم :

**پس** معنای «هذا» مفرد مذکر نیست بلکه «آلت اشاره» است

**در حالیکه** مرحوم آخوند می فرمود، معنای «هذا» مفرد مذکر است.

**اما :** اشاره مثل لحاظ آلی و استقلالی نیست که مقوم استعمال بودند و به فرموده مرحوم آخوند

ممکن نبود آنها را داخل موضوع له قرار دهیم

بلکه می توان «اشاره» را داخل موضوع له هم اعتبار کرد

نکته

اشاره مثل لحاظ آلی و استقلالی نیست که مقوم استعمال بودند  
و به فرموده مرحوم آخوند ممکن نبود آنها را داخل موضوع له قرار دهیم  
بلکه می توان «اشاره» را داخل موضوع له هم اعتبار کرد

نکته

مرحوم خوبی

اشاره از اموری نیست که لازم باشد حتماً در مرحله استعمال واقع شود.

**معنای اشاره :**

۱. «اشاره کردن» : یعنی استعمال لفظ در معنی

= این ربطی به اسماء اشاره ندارد بلکه همه الفاظ در معنایشان استعمال می شوند.

۲. مراد چیزی زائد بر استعمال است

= پس حتماً باید آن را در موضوع له، داخل کنیم.